

## شرط حصر التمتع في عقد النكاح من وجهة فقهاء الإمامية والشافعية<sup>١</sup>

الناز جهان پور<sup>٢</sup>

أكبر خادم الذكركين<sup>٣</sup>

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٠٧/٢٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١١/٠١ هـ ش]

### المستخلص

تسببت الأزمة الاقتصادية في المجتمع الحالي في تراجع حضور الأزواج في المنزل بسبب انشغالهم بالعمل مما ألقى بظلاله على توفير احتياجاتهم الروحية والجسدية وفي بعض الحالات يؤدي إلى الطلاق العاطفي أو انفصال الأسرة. استخدام الشروط ضمن العقد هو أحد الطرق للحل من هذه المشاكل. شرط تقييد التمتع في عقد النكاح من أصعب الشروط في الفقه الإمامي والشافعي. لذلك؛ جمع البحث الحالي معلومات باستخدام طريقة المكتبة وكتابة القسائم وبطريقة الاجتهاد التحليلي حقق في شرعية تقييد التمتع من منظور الفقه الإمامي والشافعي. أظهرت نتائج تحليل المصادر الفقهية أن غالبية الفقهاء المتأخرين من الشيعة يرون أن هذا الشرط جائز والغالبية العظمى من المتقدمين يرون أن هذا الشرط لا يجوز في عقد الزواج. في هذه الأثناء ميز العلماء الشافعيون بين الزوج والزوجة في رفع شرط حصر التمتع و فقط في حالة إثارة هذا الشرط من قبل الرجل وقبلت المرأة يعتقدون أن شرط تقييد التمتع صحيح. حسب الرأي المختار، طبعاً الرأي المطلوب، يدرج هذا الشرط ضمن عقد النكاح.

### كلمات المفتاحية: الشرط، التمتع، عقد الزواج.

١. هذا المقال مقتبس من: الناز جهان پور، «شرط حصر التمتع في النكاح من وجهة نظر الفريقين» أطروحة علمية

في المستوى الرابع (دكتوراه)، المشرف: حجة الإسلام ومسلمين أكبر خادم الذكركين، مركز معصوميه للتعليم العالي

والحوزة للنساء، قم، إيران، ١٤٠١

٢. طالبة في المستوى الرابع بمركز معصوميه للتعليم العالي والحوزة لأخوات ومدرسة للحوزة والجامعة، قم، إيران (المؤلفة

المقابلة) jahanpor6363@gmail.com

٣. عضو هيئة تدريسة ودكتور في قسم الفقه والأصول، جامعه المصطفى العالمية، قم، إيران a.khadem1341@gmail.com

## شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از دیدگاه فقیهان امامیه و شافعیه<sup>۱</sup>

الناز جهان‌پور<sup>۲</sup>

اکبر خادم‌الذکرین<sup>۳</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱]

### چکیده

بحران اقتصادی جامعه کنونی موجب گردیده تا زوجین به دلیل مشغله کاری زیاد، حضور کمتری در منزل داشته باشند و این امر تأمین نیازهای روحی و جسمی آنان را تحت الشعاع قرار داده و در برخی موارد بروز طلاق عاطفی و یا از هم گسستگی کانون خانواده به دنبال دارد. استفاده از شروط ضمن عقد یکی از راهکارهای کاهش این مشکلات است. شرط محدودیت استمتاع ضمن عقد نکاح از جمله شرط‌های پرچالش در فقه امامی و شافعی است. از این رو؛ پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و فیش‌نویسی اطلاعات را گردآوری و به روش تحلیلی-اجتهادی، مشروعیت شرط محدودیت استمتاع را از دیدگاه فقه امامیه و شافعیه بررسی کرد. نتایج حاصل از بررسی منابع فقهی نشان داد که غالب فقیهان متأخر شیعه قائل به جواز این شرط و اکثر قریب به اتفاق متقدمین قائل به عدم جواز شرط مذکور ضمن عقد نکاح هستند. در این میان علمای شافعی در مطرح کردن شرط محدودیت استمتاع از جانب زوج و زوجه تفکیک قائل شده‌اند و فقط در جایی که شرط مذکور از جانب مرد مطرح شده و زن بپذیرد، قائل به صحت شرط محدودیت استمتاع هستند. البته طبق نظر برگزیده، جواز درج این شرط ضمن عقد نکاح اثبات گردید.

**کلیدواژه‌ها:** شرط، استمتاع، عقد نکاح.

۱. این مقاله برگرفته از: الناز جهان‌پور، «شرط محدودیت تمکین در عقد نکاح از دیدگاه فقه فریقین» رساله علمی سطح ۴ (دکتری)، استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین اکبر خادم‌الذکرین، مرکز آموزش عالی حوزوی معصومیه خواهران، قم، ایران، ۱۴۰۱، است.

۲. طالبة في المستوى الرابع بمركز معصومية للتعليم العالي والحوزوی لأخوات ومدرسة للحوزة والجامعة، قم، ایران (المؤلفة المقابلة) jahanpor6363@gmail.com

۳. عضو هیئۀ تدریسه و دکتور في قسم الفقه والأصول، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران a.khadem1341@gmail.com

## مقدمه

عقد نکاح یکی از قراردادهای مهم انسانی است که شارع مقدس آثار خاصی را بر آن مترتب دانسته که با اراده افراد قابل تغییر نیست؛ از این رو به لحاظ فردی و اجتماعی با سایر قراردادها قابل مقایسه نیست. این آثار و شرایط موضوعه، حقوق و تکالیفی را برای هر یک از زوجین به وجود می‌آورد که برخی از آنها اختصاصی و برخی مشترک میان آنها است. البته زوجین در ترتب آثار عقد نکاح اختیار تام ندارند، ولی در چارچوب امور مشروع می‌توانند شروطی را ضمن عقد نکاح مطرح کنند؛ چراکه شروط ضمن عقد نکاح از تمهیدات اسلام برای تحکیم خانواده است و امکان انعطاف‌پذیری و تطابق خانواده را با شرایط زمان و مکان در عرصه‌های مختلف فراهم می‌کند.

این شرط‌ها، همچون دیگر قواعد حقوقی، در اثر فشارهای اجتماعی و در پاسخگویی به نیازهای جامعه شکل می‌گیرند؛ از این رو انتظار می‌رود تناسبی هرچند تقریبی، میان نیازهای خانواده و جامعه با فشارهای اجتماعی و قوانین حقوقی برقرار شود. بررسی فقهی شروط از جمله این راهکارها است که موجب جبران خلأهای قانونی می‌شود.

محوریت مقاله حاضر «شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از دیدگاه فقه امامیه و شافعی» است؛ زیرا از یک سو بررسی‌های فقهی نشان می‌دهد که از مهم‌ترین و اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده، تأمین نیازهای جنسی زوجین است که در استحکام یا تزلزل خانواده‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و فقها از آن با عنوان «استمتاع» و «تمکین» یاد کرده‌اند. از سوی دیگر، دنیای مدرن با تغییر فرهنگ و نیازهای انسانی موجب افزایش حجم کار مردان و زنان در جامعه شده که استمتاع و بهره‌مندی جنسی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو زوجین در ضمن عقد نکاح گاه شروطی را ناظر به استمتاع مطرح می‌کنند که از جمله آنها «شرط محدودیت استمتاع» است. تذکر این نکته ضروری است که شرط محدودیت تمکین به طور قطع به معنای مطلق عدم استمتاع نیست، بلکه مراد حصر استمتاع در نوع خاصی از تمتعات جنسی یا محدود کردن آن به زمان یا مکان خاص است.

از پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره این بحث می‌توان به «بررسی تطبیقی شرط عدم تمکین با رویکردی بر نظر امام خمینی» نوشته افتخار دانش‌پور و فهیمه مروی اشاره کرد که سکوت قانون‌گذار را مد نظر قرارداد و با بررسی نقادانه ادله و نظرات فقیهان مذاهب اسلامی، به‌ویژه امام خمینی، اسقاط حق تمکین زوج را اثبات کرده است. قنبرپور در بررسی «شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت»، شرط عدم تمکین را از منظر فقه فریقین بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که حذف مطلق تمکین در زندگی زناشویی، از نظر عرف، با ماهیت نکاح مغایرت دارد. پژوهش‌های مذکور اولاً شرط عدم تمکین را بررسی کرده‌اند و ثانیاً بررسی بُعد حقوقی آن غلبه بیشتری دارد که با هدف پر کردن خلأ قانونی و سکوت قانون‌گذار در برابر شرط عدم تمکین انجام شده است، در حالی که تحقیق حاضر با رصد موقعیت جامعه امروز و مشکلات خانواده‌های جامعه کنونی، فقط در بُعد فقهی، فقه امامیه و شافعیه را با روش اجتهادی - تحلیلی و نگاه نقادانه بررسی می‌کند؛ از این رو ضمن بیان دقیق ادله و مبانی فقیهان این دو گروه، اقوالشان درباره «شرط محدودیت استمتاع» تبیین می‌شود.

استمتاع جنسی از حقوق شرعی مشترک زوجین است که با عقد نکاح حاصل می‌شود. پاسخ به این سؤال که آیا شرط محدودیت استمتاع از جانب زوج در ضمن عقد نکاح صحیح است یا خیر، به رابطه استمتاع و مقتضای عقد بستگی دارد. بنابراین قبل از ورود به اصل بحث نیاز، مقتضای عقد و اقسام آن را بررسی می‌کنیم.

کلمه «مقتضی» در اصطلاح امری است که عقد برای پیدایش و ظهور آن منعقد می‌شود. به طوری که سلب آن از عقد مساوی با نفی و ابطال عقد خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۴/۴۱۸) که به دو دسته مقتضای ذات عقد و مقتضای اطلاق عقد تقسیم می‌شود.

شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از دیدگاه فقیهان امامیه و شافعیه / ۶۱

مراد از مقتضای ذات عقد در اصطلاح فقه، اثری است که بدون آن عقد محقق نمی‌شود و با نفی یا فقدان آن، عقد به لحاظ لغوی یا مفهوم عرفی یا شرعی منتفی می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۵۱-۱۵۲). مقتضای اطلاق عقد هم امری است که در صورت فقدان قرینه یا قید، اعم از متصل یا منفصل، بر اساس منطوق یا مفهوم، ارتکاز عرفی یا عقلایی، وجودش ضروری باشد (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۱۵/۳-۲۱۶).

با دقت در ماهیت عقد نکاح و معنای آن روشن می‌شود که زوجیت مقتضای ذات عقد نکاح است و حلیت استمتاع و سایر حقوق زوجین، مقتضای اطلاق عقد نکاح. تعریف ارائه شده برای عقد نکاح که در مفهوم‌شناسی این واژه آمده، گویای همین مطلب است.

### مفاهیم اساسی تحقیق

دانستن مفاهیم واژگان کلیدی کمک شایانی در ترسیم بحث دارد؛ از این رو مفهوم نکاح و شرط را بررسی می‌کنیم.

### الف) مفهوم نکاح

واژه «نکاح» مصدر ثلاثی مجرد از ریشه «ن، ک، ح» است. «نکح، ینکح» معانی لغوی مختلفی دارد؛ از جمله وطی و جماع (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴۷۵/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۲۶/۲؛ جوهری، ۱۴۲۰: ۴۱۳/۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳۶۹/۴). همچنین در معنای مجازی «عقد» (عمران الشافعی، ۱۴۲۱: ۷۵) و جمع شدن و به هم پیوستن (فیومی، بی تا: ۶۲۴/۲؛ جوهری، ۱۴۲۰: ۴۰۳/۱) آمده است.

«نکاح» در اصطلاح شرع مقدس اسلام همان لفظی است که مملک وطی و در واقع معنای مجازی و علاقه سببیت است (شرتونی، ۱۳۹۸: ۱۴۳۴؛ سدیس، ۱۴۲۵: ۲۰۳)، ولی در قول راجح

مذهب شافعی، نکاح در عقد، حقیقت و دروطی، مجاز است (شرینی، ۱۴۱۵: ۳۰۹/۴). برخی از فقیهان شافعی و گروهی از اندیشمندان امامیه نیز معتقدند که نکاح دروطی، حقیقت و درعقد، مجاز است (همان؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۷/۳). البته گروه اندکی از ایشان نیز معتقدند که نکاح حقیقت مشترک در دو معنا است (نووی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲: ۲۸۸/۷؛ شرینی، ۱۴۱۵: ۳۰۹/۴؛ شیرازی، بی تا: ۴۲۳). در نهایت باید گفت که مراد از عقد نکاح در مذهب شافعی همان اباحه وطی است که بالفظ «تزویج» انجام می شود (شرینی، ۱۴۱۵: ۳۰۹/۴).

با وجود اختلاف علمای امامی و شافعی در ذکر معنای اصطلاحی برای نکاح، لحاظ معنایی که جامع تمام تعابیر باشد ممکن به نظر می رسد و در واقع می توان نکاح را همان رابطه زوجیت میان زن و مرد دانست که از آثار مهمش «اباحه استمتاع» است (همان؛ البهوتی، ۱۴۰۲: ۳۹۴/۲؛ سیستانی، ۱۴۱۶: ۱۲۳/۳). بنابراین نکاح در اصطلاح عقدی دارای شرایط و ارکان است که شامل اباحه استمتاع زوجین از یکدیگر می شود.

### ب) مفهوم شرط

«شرط» لفظی عربی است که گاه در معنای مصدری و گاه در معنای اسمی به کار رفته است. از نظر لغت شناسان به معنای علامت و نشانه، مطلق الزام و التزام و همچنین عهد و پیمان استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۲۱۷-۱۴۲۱۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۳۴/۶؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۷۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۰/۷).

در اصطلاح فقهی، «شرط» امری است که در صورت وجود آن، حکم به لحاظ وجودی و نه وجوبی، به مشروط اضافه می شود. بر اساس تعریف ارائه شده، ادله لزوم وفای به شرط علاوه بر شرط های ضمن عقد، شرط های ابتدایی را هم شامل می شوند (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۱۵/۳؛ زحیلی،

۱۴۱۸:۶۹/۷). برخی از علمای لغت نیز در مورد معنای شرط گفته‌اند: «شرط امری است که برای الزام و التزام به آن در بیع یا هر عقد دیگری وضع می‌شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۲/۷) تعریف اخیر همان مفهوم مدنظر از شرط در مقاله حاضر است.

### اقسام شرط ضمن عقد نکاح در فقه امامیه

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان شروط را به دو دسته صحیح و فاسد تقسیم کرد که البته هر یک از این دو دسته، به دو دسته دیگر تقسیم می‌شود.

### الف) شرط‌های فاسد

۱. موجب فساد عقد می‌شود: مغنیه با انتساب این قول به مشهور، دلیل بطلان شرط را مخالف بودن آن با مقتضای عقد می‌داند؛ مانند شرطی که به زوجین اجازه دهد بتوانند در مدت سه روز یا کمتر یا بیشتر، حق فسخ عقد نکاح را داشته باشند (مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۱/۵).

۲. موجب بطلان عقد نمی‌شود: چنین شرطی فاقد یکی از شرایط عمومی صحت است؛ برای نمونه، زوجه در عقد نکاح شرط کند که شوهرش حق ازدواج مجدد با هیچ زنی را نداشته باشد یا هیچ‌گاه او را طلاق ندهد. شیخ انصاری معتقد است که این شرط هرچند مخالف کتاب است، موجب بطلان عقد نمی‌شود؛ مثل اینکه زوجه عدم ازدواج مجدد زوج را ضمن عقد نکاح شرط کند یا شرط عدم طلاق کند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۶-۲۳-۲۶؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۱/۵؛ نجفی، ۱۴۱۴: ۹۵/۳۱). بدیهی است که عدم التزام به چنین شرطی (شرط باطل) حقی را برای طرف مقابل ایجاد نمی‌کند.

## ب) شرط‌های صحیح

۱. رعایت نکردنش موجب ثبوت حق خیار برای مشروط‌له می‌شود: فقدان هر شرط مشروعی در عقد نکاح موجب ثبوت حق فسخ می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۹/۳). مصداق بارز این نوع شرط، صفت است؛ برای نمونه اگر زوج شرط کند که زوجه باکره باشد و بعد از ازدواج خلاف آن ثابت شود، زوج حق فسخ دارد (مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۷/۵). بیشتر فقیهان بر این باورند که مراعات نکردن شرط صفت موجب حق خیار برای طرف مقابل می‌شود (نجفی، ۱۴۱۴: ۳۰/۳۳۶-۳۳۷).

۲. وفای به آن بر مشروط‌له واجب است، ولی رعایت نکردنش حق خیاری را ثابت نمی‌کند: مانند اینکه زوجه شرط کند سکونتش فقط در هر خود باشد یا سکونت در منزلی معین را شرط کند، ولی زوج به آن عمل نکند. این شروط موجب ثبوت حق فسخ برای زوجه نمی‌شوند، ولی زن حق عدم تبعیت از زوج را پیدا می‌کند. مستند ایشان روایاتی با این مضمون است: «مردی با شرط عدم خروج زن از شهرش با وی ازدواج می‌کند. حضرت فرمودند: زوج باید به شرط وفادار باشد» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۴/۵۴۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۱/۵).

## اقسام شرط‌های ضمن عقد نکاح در فقه شافعی

فقیهان شافعی در یک تقسیم‌بندی کلی شرط ضمن عقد نکاح را سه قسم برشمرده‌اند: الف) شروطی که به دلیل عدم منافات با مقتضای عقد، وفای به آنها واجب است؛ زیرا این شروط با حکم الهی و روایت نبوی منطبق‌اند، مانند شرط نفقه، سکونت و قسم برای زوجه یا شرط خارج نشدن زن از منزل بدون اذن زوج و انفاق نکردن از منزل شوهر بدون اذن شوهر (ابن عابدین، ۱۳۰۰: ۴/۳۴۵؛ ابن تیمیّه، ۱۴۰۸: ۳۲۳)؛



ب) شرط‌هایی که عمل به آنها به دلیل مخالف بودنشان با مقتضای عقد نکاح، باطل است ولی عقد نکاح را باطل نمی‌کند، مانند شرط ترک پرداخت نفقه زن، نداشتن رابطه جنسی با زن، نپرداختن مهریه و عزل از زن یا شرط پرداخت نفقه از جانب زن به مرد (حصکفی، بی تا: ۷۷۶/۴)؛

### ج) شروطی که به دلیل نهی اسلام از عمل به آنها فاسدند؛ این شروع دو گونه‌اند:

۱. شروطی که موجب فساد عقد نکاح می‌شوند، مانند نکاح شغار و نکاح محلل و نکاح متعه؛
۲. شروطی که موجب فساد عقد نمی‌شوند، مانند شرط زوجه برای طلاق هوو که دلیل بطلان آن ساقط شدن حق طلاق مرد است، ولی اگر عدم ازدواج مجدد مرد را شرط کند، شرط صحیح است و در صورت وفا نکردن به آن، برای زوجه حق فسخ ایجاد می‌شود (زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۵۴۷/۹).

در نهایت می‌توان شرط را همان مطلق الزام یا التزام ضمن عقد دانست و با اقسامی که برای آن ذکر شد، باید به این سؤال پاسخ داد که شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از نگاه فقیهان امامی و شافعی چه حکمی دارد.

## دیدگاه فقیهان

بیشتر دلایل تفاوت آرای فقهی درباره شرط محدودیت استمتاع، ناشی از اختلاف در غایت نکاح است که در پی می‌آیند.

### ۱. دیدگاه فقیهان امامی

فقیهان امامی را باید در دو گروه قرار داد و دلایلشان را با توجه به دیدگاهشان بررسی کرد. الف) گروهی که هدف نکاح را توالد و تناسل می‌دانند. برخی از این فقیهان قائل به بطلان شرط و صحت عقد، اعم از موقت و دائم، هستند (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۳۶۲/۵؛ فخرالمحققین

حلی، ۱۳۸۷: ۲۰۶/۳، ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۸۹/۲). برخی نیز، از جمله علامه حلی، شرط و عقد را باطل می‌دانند؛ چراکه شرط عدم وطی مخالف با مقتضای ذات عقد است (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷: ۱۶۴/۳). گروهی نیز، همچون شهید ثانی، به جواز شرط و عقد در نکاح منقطع و عدم جواز شرط و عقد در نکاح دائم معتقدند (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۱۰۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۴۹/۷).

ب) فقیهانی که برای عقد نکاح اهدافی غیر از وطی قائل‌اند. این گروه به جواز چنین شرطی در ضمن عقد نکاح و صحت عقد باور دارند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۴۷/۸؛ نجفی، ۱۴۱۴: ۹۸/۳۱؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۱/۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱-۷۴۵/۲).

## ۲. دیدگاه فقیهان شافعی

در فقه شافعی، امور مرتبط با روابط زناشویی از مقاصد اصلی نکاح محسوب می‌شوند؛ ازاین‌رو شرط خلاف با این مقصد را باطل و موجب بطلان عقد می‌دانند. این شروط به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شروطی که با مقصود اصلی عقد نکاح سازگارند و فقط مقتضای عقد نکاح را نفی می‌کنند، مثل شرط زن برای اختیار نکردن همسر دوم و سفر نکردن با شوهر یا شرط مرد برای نفقه ندادن به زن؛ چنین شروطی باطل‌اند، ولی به عقد سرایت نمی‌کنند و عقد صحیح است (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹؛ الجوینی، ۱۴۲۸: ۴۰۳/۱۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۵۴۴/۹).

ب) شروطی که علاوه بر نفی مقصود اصلی عقد نکاح با مقتضای آن هم منافات دارند، مانند نداشتن رابطه زناشویی یا انجام آن فقط در شب یا فقط در روز. این شرط‌ها و مانند اینها، چون موجب محرومیت زوج از حقتش می‌شوند، منافی مقصود اصلی نکاح‌اند و عقد را باطل می‌کنند. همچنین فقیهان شافعی معتقدند که اگر این شرط از طرف زوجه

باشد، شرط فاسد است و موجب فساد عقد می شود؛ زیرا اولاً در تعارض با مقصود اصلی نکاح، یعنی وطی، است و ثانیاً مخالف با کتاب خدا است (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹؛ الجوینی، ۱۴۲۸: ۴۰۳/۱۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۵۴۴/۹). این در حالی است که اگر شرط نداشتن رابطه جنسی یا محدود کردن آن به شب یا زمان و مکان خاص رازوج مطرح کند و زوجه بپذیرد، شرط و عقد هر دو صحیح است (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹).

## ادله فقیهان

### ۱. فقیهان امامیه

از آنجا که در فقه امامیه سه دیدگاه وجود دارد، ادله هر سه دیدگاه به تفکیک ارائه می شود.

#### ۱-۱. قائلان به جواز

عده ای از فقیهان، به ویژه متأخران، غایات متعددی برای نکاح قائل اند؛ از این رو به جواز چنین شرطی ضمن عقد نکاح - اعم از دائم و موقت - وصحت آن معتقدند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۲؛ نجفی، ۱۴۱۴: ۹۸/۳۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱-۷۴۵/۲؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۱/۵). پیروان این دیدگاه سه دلیل آورده اند که در پی می آید.

#### الف) تمسک به عمومات لزوم وفای به عقد و شرط

وجود التزام زوجه به شرط ضمن عقد بر اساس عموم ادله وفای به شرط (مأنده: ۱) الزامی است. در توضیح و اثبات مدعا باید گفت که طبق آیه مذکور، وفا به همه عقود، امر و دستور الهی است و مطابق تعبیر روایی، عقد همان عهد است (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۳۲۷/۲۳) و طبق این کاربرد، این آیه شامل شرط در بحث محدودیت استمتاع می شود و وفا به آن هم لازم است. بیشتر علمای امامیه

بر این باورند که احکام وضعی قابل جعل به صورت مستقیم هستند؛ بنابراین مراد آیه بیان حکم وضعی است، یعنی مقصود آیه بیان نفوذ و لزوم عقود و شروط است (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۴۰/۲).  
قاعده «المسلمون عند شروطهم» نیز بر وفای به شرط مذکور در ضمن عقد تأکید می‌کند. بنابراین وفای به شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح، اعم از دائم و موقت، بر مشروط علیه واجب است.

### ب) حق بودن استمتاع

برخی محققان با استناد به روایات ناظر به حقوق زوجین، استمتاع و تمکین زوجه را حق زوج معرفی کرده‌اند (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۴۲۹-۴۴۸)؛ از جمله روایتی که در آن از رسول اکرم (ص) سؤال شد: «حق زوج بر زوجه چیست؟». حضرت فرمودند: «شوهر را اطاعت کند و از خواسته‌های او دریغ نکند، هرچند بر شتری سوار باشد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۲۰). همچنین روایتی دیگر وظیفه اصلی زن را جلوه‌گری برای مرد معرفی می‌کند: «تعرض نفسها علیه غدوة و عشية» (همان)؛ بنابراین استمتاع حق زوج است و ویژگی حق، قابل اسقاط بودن آن است (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۴۲۴).  
بر این اساس، وقتی مرد شرط محدودیت استمتاع را ضمن عقد می‌خواهد، در واقع محدودیتی برای خود قرار می‌دهد که منافاتی با حقوق زوجه ندارد، بلکه شاید بتوان گفت این شرط به نفع زوجه نیز هست؛ چراکه نوعی ترخیص در رعایت حقوق زوج به حساب می‌آید.

### ج) تملک حلیت در نکاح

برخی فقیهان با استناد به روایات وارده از امام صادق (ع) درباره شرط عدم دخول (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۷۲/۲۱)، حقیقت نکاح را «مالکیت حلیت بضع» می‌دانند، یعنی حقیقت نکاح «فعلیت

و ترتب استمتاع» نیست؛ ازاین رو عدم دخول را حرام ندانسته، بلکه حکم به جوازش داده‌اند. از نظر ایشان، عقد نکاح موجب حلال شدن امر نزدیکی می‌شود و حکم آن وجوب نیست؛ ازاین رو انسان می‌تواند، مانند صرف نظر کردن از هر امر حلالی، ازاین امر نیز چشم‌پوشد.

امام خمینی در کتاب البیع، از قائلان به صحت شرط عدم روابط جنسی ضمن عقد نکاح است. ایشان داشتن انگیزه جنسی را یکی از اهداف معرفی کرده و اهداف مهم‌تری که مورد تأیید عقل هم هستند، همچون محرم شدن و آشنایی و پیوند با خانواده شریف، را مترتب بر این عقد نکاح و موجب صحت عقد نکاح می‌داند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲۸۳/۵).

سخن یکی از معاصران مؤید نظر امام خمینی است: «شرط مخالف مقتضای عقد، شرطی است که حقیقت عقد بر آن متوقف است، مانند شرط بیع بدون ثمن، حال آنکه محل بحث ما چنین شرطی نیست؛ زیرا مقتضای عقد نکاح زوجیتی است که انشا شده و باقی می‌ماند. بنابراین شرط عدم دخول هیچ منافاتی با مقتضای عقد نکاح (زوجیت) ندارد». ایشان در رد سخن علامه حلی که شرط عدم دخول را شرطی مخالف صریح کتاب و سنت معرفی کرده نیز می‌فرماید: «این سخن زمانی تام و کامل است که مراد، شرط عدم ثبوت حق وطی باشد، در حالی که شرط عدم دخول چنین اقتضایی ندارد» (روحانی قمی، ۱۴۲۹: ۱۹۵/۲۲).

## ۲-۱. قائلان به منع

یافته‌های فقهی حاکی از آن است که بیشتر متقدمان و برخی معاصران از امامیه تناسل را هدف اصلی عقد نکاح می‌دانند؛ ازاین رو با شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح به طور مطلق مخالف‌اند. از معتقدان این دیدگاه می‌توان به شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۰۴/۴-۳۰۵)، ابن براج (ابن براج، ۱۳۸۸: ۲۰۷/۲)، ابن ادریس (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۰/۲)، علامه حلی (علامه

حلی، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۷) اشاره کرد (نجفی، ۱۴۱۴: ۱۰۰/۳۱). شرح ادله و مستندات مخالفان با شرط محدودیت استمتاع در ادامه می آید.

### الف) مغایرت با مقاصد نکاح

شرط محدودیت استمتاع منافی مقاصد شریعت است؛ زیرا طبق روایت هایی بسیار، همچون توصیه روایت نبوی بر انتخاب همسری ولود (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۴/۲۰؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۹۷)، بقای نسل هدف اساسی و بنیادی عقد نکاح است. تعبیر به قتل پنهان درباره عزل در برخی روایات (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۱۲) بیانگر این است که عزل موجب می شود زن از فرزندآوری محروم شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۶۸/۲). از نظر این دسته از فقیهان، هرگونه شرط مخالف با تولد و تناسل بر خلاف مقتضای عقد است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۷؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۰۳/۴)؛ از این رو چون هدف و مقصود خداوند از تشریح نکاح تکثیر نسل است، حذف یا محدود کردن روابط جنسی، که مقدمه و لازمه باروری است، با غرض شارع منافات دارد. دسته ای از فقیهان این گروه هم شرط محدودیت استمتاع را با اثر ظاهری عقد نکاح در تعارض دانسته و با شرط کردن آن مخالفت کرده اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۴۷۷/۲).

### ب) تحریم امر مباح

التزام و پایبندی به شرط محدودیت استمتاع ضمن عقد نکاح موجب می شود زوجین روابط جنسی را ترک یا محدود کنند که این امر موجب حرام شدن امر مباح می شود؛ بنابراین شرط مذکور مصداق تحریم مباح و موافق مضمون این روایت است: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تُحَرِّمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۲۴۴/۲۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲۶۴/۲؛ غروی نائینی، ۱۳۷۳: ۱۰۵/۲). بر این اساس، در زندگی زناشویی، چشم پوشی از برخی یا تمام بهره های جنسی مصداق تحریم حلال است.

### ۳-۱. قائلان به تفصیل

مشهور امامیه شرط محدودیت استمتاع را در عقد نکاح موقت صحیح و در نکاح دائم ناصحیح می‌دانند. این گروه برای سخن خود دو دلیل آورده‌اند.

#### الف) مغایرت مقاصد نکاح دائم و موقت

با توجه به تعریف‌های ارائه شده درباره عقد نکاح و اقسام آن، می‌توان به روشنی تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را تشخیص داد، مانند تفاوت در جایز بودن عزل در نکاح موقت و عدم جواز آن بدون اذن زوجه در نکاح دائم (شیخ صدوق، ۱۴۱۵: ۳۳۹/۱)؛ برخی فقیهان به مصادیقی از تمایز دو نکاح موقت و دائم مانند عدم توارث و عدم حق زوجه نسبت به عزل اشاره کرده‌اند، مثلاً شهید ثانی حکم جواز عزل، حتی در صورت عدم شرط و اذن زوجه، را قول مشهور و اجماعی دانسته است (شهید ثانی، ۱۳۷۲: ۱۰۲/۲۱-۱۰۵). بر این اساس، دلیل اصلی آنان مغایر بودن این شرط با مقاصد نکاح دائم و همسو بودنش با مقاصد نکاح موقت است.

#### ب) منافات شرط محدودیت استمتاع با اصل برائت

علامه حلی و بزرگان دیگر، هم عقیده با شیخ طوسی در قول به تفصیل (صحت شرط عدم وطی در نکاح موقت و عکس آن در نکاح دائم) و در تأیید نظر او آورده‌اند:

شرط عدم نزدیکی ضمن عقد نکاح علاوه بر مخالفت با کتاب و سنت، با اصل برائت ذمه شوهر مغایرت دارد؛ بنابراین باطل است. از سوی دیگر نیز اجماعی برای صحت این شرط منعقد نشده است. روایت‌های مورد استناد ایشان هم اولاً جزو روایت‌های شاذ هستند و ثانیاً بر فرض صحت سند، به عقد نکاح موقت اختصاص دارند، نه دائم (علامه حلی، ۱۳۸۷: ۲۵۷/۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۶۷/۱۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲۵۷/۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۹۰/۲).

## ۲. فقیهان شافعی

در تبیین دیدگاه فقیهان شافعی روشن شد که شرط‌های ناظر به روابط جنسی، به دلیل مخالفت با مقصود نکاح، باطل هستند؛ زیرا زوج را از حق مسلمش محروم می‌کنند (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹؛ الجوینی، ۱۴۲۸: ۴۰۳/۱۲). ولی از آنجا که شافعیان قائل به اختصاص رابطه زناشویی به زوج هستند، اسقاط یا محدود کردن استمتاع را حق زوج می‌دانند (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹). برخی نیز این مورد را مشابه رضایت ازدواج زن با مرد مبتلا به بیماری عنین و محبوب دانسته‌اند (جزیری، ۱۴۱۹: ۸۴/۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۵۴۴/۹). در نهایت، طبق استثنای فقیهان شافعی، مطرح شدن شرط محدودیت استمتاع از جانب زوج، در صورت پذیرش زوجه صحیح است.

## نقد و بررسی ادله

عقد نکاح به دلیل داشتن پیوند دیرینه و عمیق با عواطف، دین و اخلاق و همچنین عرف مردم جایگاهی ویژه‌تر از دیگر عقود دارد. جاری بودن اصل حاکمیت اراده در تعیین آثار و احکام قرارداد از ویژگی‌های عقود است که موجب حصول آزادی عمل متعاقدین می‌شود، ولی مترتب شدن آثار عقد، تابع شرع و قانون است و محدودیت بیشتری را برای زوجین در عقد نکاح ایجاد می‌کند. از آنجا که شرط محدودیت استمتاع اثر بهره‌مندی جنسی زوجین را به طور مطلق نفی نمی‌کند، شرط مخالف مقتضای ذات عقد نکاح نیست؛ زیرا به گواه معنای لغوی و اصطلاحی عقد نکاح، مقتضای ذات عقد نکاح چیزی جز حصول زوجیت نیست و سایر موارد، مانند وطی، از آثار و اقتضائات اطلاق عقد محسوب می‌شوند و بر اساس اراده زوجین قابل تغییرند. ادله قائلان به منع شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح را چنین می‌توان رد کرد:



اولاً شرط مذکور با ایجاد محدودیت زمانی یا مکانی رابطه جنسی، آثار و مقتضای اطلاق عقد نکاح را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه اینکه حصول زوجیت و حلّیت استمتاع متعاقدين را نفی کند؛ بنابراین چنین شرطی خلاف مقاصد نکاح نیست و ادله لزوم وفای به شرط شامل آن می‌شوند.

ثانیاً مقصود از نکاح، اعم از موقت و دائم، حصول زوجیت و به عبارتی محرمیت است و داشتن رابطه زناشویی از آثار و اقتضائات اطلاق عقد است. در روایات وارده از معصومان (ع) (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۷۳/۲۱) هم دلیلی برای دادن حکم اختصاصی به نکاح موقت وجود ندارد. در نقد دلیل دوم قائلان به تفصیل هم می‌توان گفت که طبق قواعد علم اصول، مادامی که دلیل محرز برای استنباط حکم موجود باشد، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد (صدر، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

#### اکنون می‌توان موارد زیر را استنباط کرد:

- نفی مطلق استمتاع ضمن عقد نکاح مصداق سلب حق به طور کلی یا تحریم مباح است و مغایر با قوانین آمره و منافی اخلاق حسنه تلقی می‌شود؛ بنابراین شرط محدودیت استمتاع، که به معنای نفی مطلق تمتعات نیست، شرطی مشروع تلقی می‌شود.
- به گواه روایات متعدد، عقد نکاح موجب حلّیت وطی و تمتعات جنسی زوجین می‌شود، نه وجوب آن (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۷۲/۲۱)؛ همچنین طبق نظر غالب علمای شافعی، استمتاع حق زوج است (الیمنی الشافعی، ۱۴۲۱: ۳۸۹/۹، الجوینی، ۱۴۲۸: ۴۰۳/۱۲) و شخص دارای حق می‌تواند امری که برایش حلال شده را ساقط یا محدود کند.
- شرط مخالف مقتضای عقد با شرط مخالف ذات عقد متفاوت است؛ برای مثال اگر در عقد نکاح شرط شود که محرمیتی میان زن و مرد حاصل نشود، به طور قطع با مبانی

عقد نکاح تضاد دارد و باطل است، ولی حذف بعضی از تمتعات جنسی، مانند شرط اختصاص استمتاع به زمان معین یا شرط عدم وطی ضمن مدت مشخص، و با هدفی مهم تر - چون تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از بروز اختلافات و طلاق - از نظر عرف و شرع مانعی ندارد؛ چراکه مطابق قاعده باب تزاحم، اهم بر مهم مقدم شده است. همچنین شرط مذکور حلیت استمتاع را از بین نمی برد و مانع فعلیت آن نمی شود، بنابراین از شروط صحیح و مشمول ادله لزوم وفای به شرط است. بر این اساس، با اثبات شرعی بودن شرط محدودیت استمتاع، ادله وجوب وفای به شرط، همچون عمومات قرآنی - أوفوا بالعقود - و روایی - المسلمون عند شروطهم - موجب لزوم وفای به شرط از سوی زوجه می شوند.

## نتیجه

یافته های تحقیق حاضر به شرح زیر است:

۱. استمتاع که مهم ترین اثر عقد ازدواج است، در متون روایی جایگاه خاصی دارد، ولی در کنار سایر اهداف، موجب می شود تا این عقد از تک بُعدی بودن خارج شود. بنابراین نمی توان گفت که تنها اثر آن غلبه بر شهوت است؛ معنای لغوی و اصطلاح شرعی نکاح هم مؤید این مطلب است. بر این اساس، حقیقت عقد نکاح همان عقد و پیمان زناشویی و به عبارتی، زوجیت است و لفظ نکاح زمانی بر دخول و رابطه زناشویی دلالت می کند که قرینه ای در کلام باشد. این سخن مطابق با دیدگاهی است که می گوید: «حقیقت عقد نکاح صرف وطی و رابطه زناشویی نیست».

۲. شرط محدودیت استمتاع از شرط‌های ناظر به قلمرو رابطه زناشویی ضمن عقد نکاح است و از نظر فقیهان شافعی، به دلیل مخالفت با مقاصد عقد نکاح، شرطی باطل است. آنان فقط در صورتی قائل به صحت شرط مذکور هستند که اولاً از جانب زوج مطرح شود و ثانیاً زوجه موافقت کند. با بررسی سه دیدگاه مطرح شده در فقه شیعه به همراه مستندات آنها و نقد ادله مانعان، مشروعیت شرط محدودیت استمتاع اثبات شد. ادله آنها عبارت‌ند از:

الف) نص صریح قرآن کریم بر وفا و پایبندی به شرط دلالت می‌کند و شامل شرط محدودیت استمتاع هم می‌شود. عقد نکاح با تعهد زوجین بر تشکیل خانواده شکل می‌گیرد؛ پس وفای به شرط در آن جایگاهی ویژه دارد.

ب) حق بودن استمتاع دلیل دیگر قول به جواز است؛ چراکه اولاً استمتاع مقتضای اطلاق عقد است، نه ذات عقد و ثانیاً ویژگی حق، قابلیت تحدید و اسقاط است؛ بنابراین زوجین می‌توانند ضمن عقد نکاح، بنا بر اغراض عقلایی که دارند، استمتاع محدود را شرط کنند. این امر از مصادیق اسقاط مالیم یجب نیست.

با توجه به گستردگی روابط و پیچیده‌تر شدن مسائل در دنیای امروز که موجب چندشیفته شدن کارهای مردان و کشیده شدن زنان به بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی شده است، شرط محدودیت استمتاع می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از بروز اختلافات و حتی طلاق زوجین شود که تأثیر بسزایی در تحکیم بنیان خانواده دارد.

## کتاب نامه

- قرآن کریم.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (١٤١٠)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، قم: انتشارات اسلامى وابسته به حوزه علمیه قم.
- ابن تیمیه، ابی العباس الحرانی الحنبلی (١٤٠٨)، الفتاوى الكبرى، بی جا: دارالکتب العلمیه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (١٣٨٥ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم.
- ابن عابدین، محمد امین (١٣٠٠)، العقود دریه فی تنقیح فتاوى الحامديه، بی جا: العامره الاميریه.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (١٤٢٤ق)، أحكام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد (١٣٩٩)، معجم مقاییس اللغه، بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤)، لسان العرب، بیروت: دار صار.
- انصاری، شیخ مرتضی (١٤١٥ق)، المکاسب، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول.
- البهوتی، منصور بن یونس (١٤٠٢)، کشف القناع عن متن الإقناع، بیروت: دارالفکر.
- الجوينی، ابوالمعالی (١٤٢٨)، نهاية المطلب فی درایة المذهب، بی جا: دار المنهاج.
- الیمنی الشافعی، ابوالحسین یحیی بن ابوالخیر (١٤٢١)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، جدہ: دارالمنهاج.
- بحرانی، یوسف (١٤٠٥ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ اول.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (١٤١٢)، الروضة البهية فی شرح الروضة الدمشقيه، شارح سلطان العلماء، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامى حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- — (١٤١٣)، مسالک الافهام إلى تنقیح شرایع الاسلام، جلد هشتم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- جزیری، عبدالرحمن (١٤١٩)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤٢٠)، الصحاح فی اللغه، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.

شرط محدودیت استمتاع در عقد نکاح از دیدگاه فقیهان امامیه و شافعیه / ۷۷

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حصکفی، علاءالدین (بی تا)، رد المحتار علی الدر المختار، جلد چهارم، بی جا: مکتب رشیدیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: سیروس.
- روحانی قمی، صادق حسینی (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهه، جلد ششم، قم: انوار الهدی، چاپ پنجم.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸)، الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت: انتشارات دارالفکر المعاصر.
- سدیس، محمد بن عبدالعزیز (۱۴۲۵)، مقدمات نکاح، مدینه: الجامعه الاسلامیه.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۶)، منهاج الصالحین، قم: مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی.
- شریینی، محمد الخطیب (۱۴۱۵ق)، الاقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، جلد چهارم، بیروت: دارالفکر.
- شرتونی، سعید (۱۳۹۸)، اقرب الموارد، بیروت: دارالفکر.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵)، المقنع، بی جا: منشورات مؤسسه الام الهادی.
- شیرازی، ابوالحسن (بی تا)، المهذب، بیروت: دارالفکر.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۷)، دروس فی علم الاصول، قم: دارالصدر.
- طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۷۸)، حاشیه المکاسب، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۵)، مجمع البحرین، بی جا: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، المبسوط، محمدباقر بهبودی، تهران: حیدری، چاپ دوم.
- عمران الشافعی، یحیی بن ابی الخیر (۱۴۲۱)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، بیروت: دار المنهاج.
- غروی نائینی، محمد حسین (۱۳۷۳)، منیه الطالب فی شرح المکاسب، تهران: المکتبه المحمديه.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دارالرضی، چاپ اول.
- کاسانی، علاءالدین (۱۴۰۶)، بدائع الصنائع، بیروت: دارالکتاب العربی، الطبعة الثانية.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۶)، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد (بی تا)، فقه امام جعفر صادق (ع)، قم: انتشارات قدس.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱)، البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مؤمنی، عابدین (۱۳۸۷)، «نکاح مشروط»، در مجموعه مقالات نکوداشت آیت الله قبله ای خوئی، تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷ق)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نووی، یحیی بن شرف الدین (۱۴۳۱-۱۴۳۲)، المجموع شرح المهدب، جلد هفتم، بیروت: دارالفکر.